

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته:

مشهور فقیهان بر این عقیده‌اند که ضمان مال مثلی به مثل و ضمان مال قیمی به قیمت است و دلیل اول بر این مدعی آیه اعتداء (فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ) می‌باشد. مرحوم شیخ انصاری از کلام مرحوم شیخ طوسی برداشت کرده است که ایشان از این آیه شریفه دیدگاه مشهور (ضمان مثلی به مثل و قیمی به قیمت) را برداشت نموده است. ولیکن با دقت در عبارات شیخ طوسی معلوم شد که استظهار مرحوم شیخ انصاری نادرست بوده و مرحوم شیخ طوسی از آیه شریفه برداشت کرده که ضمان در همه موارد به مثل است مگر در صورتی که مثل، وجود نداشته باشد که باید قیمت پرداخت شود. [1] ادامه بحث: آیا می‌توان از آیه شریفه، مدعی مشهور را برداشت کرد؟ باید توجه داشت که در باب اعتداء، چهار عنوان مطرح است: اعتداء، معتدی به، مقدار اعتداء و کیفیت اعتداء. با توجه به این عناوین و کلمه «مثل» باید پی برد به این که مماثلت در آیه شریفه به چه معنا می‌باشد؟ احتمالات زیر مطرح می‌شود [2]:

- 1 - مماثلت در اعتداء و ظلم که دو حالت برای آن متصور است: نخست، مماثلت در نوع اعتداء به این معنا که همان عمل ظالمانه‌ای که معتدی انجام داده است، معتدی علیه نیز نسبت به او انجام دهد. اگر او مالی را اتلاف کرد یا دشنام داد، معتد علیه هم مال او را اتلاف کند یا دشنام دهد. دوم، مماثلت در جنس اعتداء به این معنا که معتدی ظلمی انجام داده است و در مقابل معتدی علیه نیز ظلمی به او روا دارد، گرچه ظلم متفاوت باشد، بنابراین اگر معتدی مالی را اتلاف کرده است معتدی علیه می‌تواند عمل ظالمانه دیگری همچون دشنام نسبت به او انجام دهد [3].
- 2 - مماثلت در معتدی به (متعلق اعتداء)، یعنی مماثلت در آنچه اعتداء به آن تعلق گرفته است مثل این که معتدی يك كيلو گندم تلف کرده باشد که در مقابل معتدی علیه هم می‌تواند يك كيلو گندم از او تلف نماید.

نکته: بین اعتداء و معتدی به دو حالت متصور است: نخست، برای هر کدام از اعتداء و معتدی به، در خارج ما به‌ازای مستقلي وجود دارد که در این صورت هیچ ملازمه‌ای بین این دو نیست، به عنوان مثال در اتلاف گندم ما به ازای اعتداء در خارج، اتلاف و ما به ازای معتدی به، گندم است. دوم، برای هر کدام از اعتداء و معتدی به، از خارج ما به ازای مستقلي وجود ندارد که در این صورت با هم ملازمه دارند، به عنوان مثال در کتک زدن، ما به ازای اعتداء و معتدی به در خارج همان کتک زدن است.

- 3 - مماثلت در مقدار اعتداء به مثل این که اگر معتدی يك مرتبه زده است معتدی علیه هم يك بار حق زدن داشته باشد.
- 4 - مماثلت در کیفیت اعتداء، مثل این که در روایت آمده است حکم شخصی که در حرم قتل یا سرقت انجام داده این است که در همان حرم حدّ و تازیانه بر او جاری شود در حالی که تحقیر می‌شود [4]. چرا که سرقت در حرم انجام شده است، پس مجازات هم به خاطر مماثلت در کیفیت اعتداء، در همان حرم اجراء می‌گردد.

چه بسا توهّم شود که بین مقدار اعتداء و معتدی به، ملازمه وجود دارد، مثل اینکه معتدی به، ضرب باشد و مقدار آن پنج مرتبه باشد که بین این دو خارج ملازمه و اتحاد است. پاسخ این است که اگر معتدی به قابل نقصان و زیادت باشد (مثلاً يك یا دو یا

سه بار زدن) امکان ملازمه وجود دارد ولیکن باید توجه داشت که بین مقدار اعتداء و کیفیت معتدي به، ملازمه وجود ندارد.

نکته: نسبت به معنای «ما» در عبارت «بمثل ما اعتدي عليه» دو احتمال وجود دارد: نخست، «ما» مصدریه باشد که بعد از آن تأویل به مصدر می‌رود: بمثل اعتدائه. دوم، «ما» موصوله باشد که در این صورت می‌توان به جای آن کلمه «شیء» به کار برد: بمثل شیء اعتدي عليه. مراد از «شیء» هم می‌تواند «حقیقت» (بمثل حقیقة فعل اعتدي عليه) یا «کمیت» (بمثل کمية فعل اعتدي عليه) باشد. مرحوم نائینی و مرحوم ایروانی معتقدند که آیه شریفه، ظهور در مقدار اعتداء دارد یعنی فقط مماثلت در مقدار اعتداء از آن برداشت می‌شود [5]. با این بیان نمی‌توان آیه شریفه را مستند دیدگاه مشهور (ضمان مثلي به مثل و قيمي به قیمت) دانست، زیرا این آیه تنها در صورتی که ظاهر در معتدي به یا شامل آن باشد می‌تواند به عنوان دلیلی بر دیدگاه مشهور محسوب شود. مرحوم شیخ انصاری این مطلب که آیه شریفه ظهور در مقدار اعتداء داشته باشد را با عبارت «فيه نظر» رد می‌کند [6] که در این عبارت ایشان چهار احتمال می‌رود: 1 - آیه ظهور در خصوص معتدي به دارد. این احتمال بعید به نظر می‌رسد. 2 - آیه هم در مقدار اعتداء و هم در معتدي به ظهور دارد، یعنی اختصاص به معتدي به ندارد. 3 - آیه فقط مماثلت در اصل اعتداء را می‌رساند و ظهوری در معتدي به و مقدار اعتداء ندارد [7]. 4 - چنان که مرحوم اصفهانی معتقد است آیه اعم است و شامل اصل اعتداء، معتدي به، مقدار اعتداء و کیفیت اعتداء می‌شود [8]. زیرا کلمه «مثل» اطلاق دارد و همه جهات را در بر می‌گیرد.

به نظر می‌رسد آیه‌ی شریفه مماثلت در اصل اعتداء را نمی‌رساند، زیرا اولاً اگر چنین قصدي داشت، آوردن کلمه «بمثل» لازم نبود و عبارت «فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ» مقصود را می‌رساند. ثانیاً لازمه چنین برداشتی این بود که اگر معتدي، ظلمي همچون دشنام دادن انجام داده است معتدي عليه نیز حق دارد همین عمل را نسبت به او انجام دهد که امکان اراده چنین معنایی برای شارع نیست [9]. به نظر ما آیه شریفه، ظهور عرفی در مماثلت در مقدار اعتداء دارد و هیچ ظهوری در مماثلت در معتدي به ندارد به خصوص اگر کلمه «ما» را موصوله و به معنای «شیء» و مراد از «شیء» را «کمیت» بدانیم نه «حقیقت»، چرا که اگر «شیء» به معنای «حقیقت» باشد، آیه شریفه ظهور در مماثلت در اصل اعتداء پیدا می‌کند که اشکال آن بیان شد.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين

[1]. اگر چه ممکن است دیدگاه مرحوم شیخ طوسی مطابق دیدگاه مشهور (ضمان مثلي به مثل و قيمي به قیمت) باشد، لیکن به نظر ما ایشان از این آیه شریفه دیدگاه مشهور استفاده نکرده است.

[2]. ر.ک: علي بن عبدالحسين النجفي الايرواني، حاشية المكاسب، ج 1، ص 98، و محمد حسين الإصفهاني، حاشية كتاب المكاسب، ج 1، صص 362 - 364.

[3]. مماثلت به این معنا قائلی ندارد.

[4]. «قلت: فما تقول في رجل قتل في الحرم أو سرق، قال عليه السلام يقام عليه الحد في الحرم صاغراً إنّه لم يرَ للحرم حرمةً و قد قال الله تعالى: فمن اعتدي عليكم فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدي عليكم» محمد بن يعقوب الكليني، الكافي، ج 4، باب الإلحاد بمكة والجنایات، ص 228، ح 4.

[5]. محمد حسين الغروي النائيني، منية الطالب في حاشية المكاسب، ج 1، ص 283، وعلي بن عبد الحسين النجفي الايرواني، حاشية المكاسب، ج 1، ص 98.

[6]. «ربما يناقش في الآية بأن مدلولها إعتبار المماثلة في مقدار الإعتداء لا المعتدي به وفيه نظر» كتاب المكاسب، ج 3، ص

[7]. به نظر مي‌رسد كه مرحوم طباطبائي اين ديدگاه را دارد. رياض المسائل، ج 14، ص 24.

[8]. محمد حسين الاصفهاني، حاشية كتاب المكاسب، ج 1، صص 362 - 364.

[9]. مرحوم اصفهاني نيز به اين مطلب تصريح كرده است: «وبناء علي الأول لا دلالة الآية الا علي المماثلة في الاعتداء وهي غير مرادة هنا بل غير جائزة هنا إذ مماثل إتلاف المال هو الإتلاف كمماثلة الضرب للضرب» حاشية كتاب المكاسب، ج 1، ص 363.